

دانشگاه باقرالعلوم «علیه‌السلام»

دانشکده: معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان: بررسی انتقادی برهان مفهومی محقق اصفهانی بر وجود خدا

استاد راهنما: حجت‌الاسلام دکتر محمد‌مهدی گرجیان

استادان مشاور: حجت‌الاسلام دکتر محمد‌تقی یوسفی

نگارش: احمد شهرابی فراهانی

تابستان ۹۴

دانشگاه باقرالعلوم (ع)

(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

چکیده

یکی از سوالاتی که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته است، راه رسیدن به خداست. متفکران راههای مختلفی برای رسیدن به خداوند مطرح کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به راه دل و راه عقل اشاره کرد. در این میان فیلسوفان و حکیمان با تکیه بر روش عقلی و با تأملات و دقت‌های بسیار استدلال‌های متعددی بر اثبات وجود خداوند اقامه کرده‌اند. برخی از استدلال‌های عقلی بر اثبات وجود خداوند عبارت است از برهان صدیقین، برهان وجوب و امکان، برهان وجودی، برهان علیت. هر یک از این براهین ویژگی‌هایی دارد، برای مثال گفته شده است که در برهان صدیقین از راه حقیقت وجود به اثبات وجود خداوند پرداخته شده است، در برهان وجودی از راه تمرکز بر عناوینی که مفهوم خدا را نشان می‌دهند، مصدق داشتن آن در خارج نتیجه گرفته شده است. اندیشمندان مختلفی از غرب و اسلام به این نوع برهان پرداخته‌اند. از میان اندیشمندان غربی می‌توان به آنسلم قدیس اشاره کرد و از میان حکیمان مسلمان محقق اصفهانی تقریری جدید از برهان وجودی ارائه کرده است. برهان وجودی محقق اصفهانی دارای خصوصیات و ویژگی‌های مختلفی است. در این برهان از محال بودن اجتماع تقیضین و تقسیم حیثیات به حیثیت تعلیلی و تقییدی مدد گرفته شده است. محقق اصفهانی ضمن تمرکز بر مفهوم واجب الوجود، تعریف خداوند، و استفاده از برهان خلف، ضرورت ازلی وجود خداوند را اثبات می‌کند. براین برهان اشکالات گوناگونی وارد شده است که یکی از این آنها اشکال تقضی و دیگری اشکال خلط مفهوم و مصدق می‌باشد. با بررسی تمام اشکالات روشی می‌شود برهان وجودی محقق اصفهانی عاری از اشکالات مطرح شده بوده و این برهان راهی مناسب برای اثبات وجود خداوند می‌باشد.

کلید واژگان:

برهان وجودی، محقق اصفهانی، خلط مفهوم و مصدق، یقین، ضرورت ازلی، اثبات خدا

دانشگاه با فرات العلوم (ع)

(غير دولتى - غير انتفاعى)

کلیات

-کفتار اول: کلیات

1. بیان مسئله:

براهین خداشناسی اقسام مختلفی دارد که یکی از روش‌ها، تقسیم ادله اثبات واجب به حسب طریق است که یکی از آنها از طریق وجود مطلق است که برهان صدیقین ناظر به این روش است و یکی دیگر، از طریق مفهوم است مثل برهان آنسلم، فارابی، محقق اصفهانی نکته اساسی اینجاست که چطور میتوان از طریق مفهوم و حمل اولی، به خارج و حمل شایع دست پیدا کنیم و خدارا اثبات کنیم.

بزرگانی از فلاسفه مسلمان و غرب در طول تاریخ کوشیده اند از این طریق، خداوند را ثابت کنند ولی اکثر آنها دچار خلط بین حمل اولی و شایع صناعی یا خلط مفهوم با مصدق شده‌اند.

بر این اساس اشکالاتی به براهین ارائه شده وارد کردند که یکی از آن براهین، برهان محقق اصفهانی میباشد. مسئله اصلی که در صدد آن هستیم که به آن دست پیدا کنیم این است که چگونه محقق اصفهانی توانسته است با برهانی که اقامه کرده، از این اشکالات رهایی یابد و برهان صحیحی را تبیین کند.

2. اهمیت و فایده آن:

در روش اثبات وجود خدا از راه مفهوم، تنها از طریق یک مفهوم ذهنی مثل واجب الوجود، مفهوم کاملترین و مفهوم بزرگترین، وجود واجب تعالی در خارج اثبات میشود. بدون اینکه به جهان خارج رجوع و از واقعیت‌های عینی موجودات طبیعت کمک گرفته شود. بر این اساس برهان مفهومی، یک برهان پیشینی و قبل از تجربه است. در صورتی که بتوان تقریر معتبری از این دست براهین ارائه کرد میتوان با سهولت و بدون نیاز به اثبات جهان خارج، وجود خدا را اثبات کرد و این مطلب ضرورت و اهمیت تحقیق در این موضوع را نشان میدهد.

3. سابقه تحقیق:

۱. مقاله محمد ابراهیمی راد
یکی از اشخاصی که در این زمینه، مقاله ارائه کرده است آقای محمد ابراهیمی راد است. ایشان در مقاله‌ای با عنوان برهان مفهومی از دیدگاه آنسلم و محقق اصفهانی، ابتدا تصویری از برهان مفهومی داده است و سپس به تبیین برهان آنسلم پرداخته است و ایرادات واردہ بر آن را نقل کرده است. ایشان در ادامه برهان محقق اصفهانی را نقل کرده و از آن دفاع می‌کند و ایرادات واردہ بر آن را جواب میدهد.

ایشان پس از اشاره به برهان آنسلم، به بررسی برهان مفهومی در فلسفه اسلامی می‌پردازد. که یکی از متقن ترین آنها، برهان محقق اصفهانی می‌باشد.

خلاصه برهان: ما مفهوم واجب الوجود را در ذهن داریم و این مفهوم از معنای واجب الوجود حکایت می‌کند. آن معنا ومحکی باید در خارج وجود داشته باشد و الا در غیر این صورت از دو صورت خارج نیست: یا به این دلیل است که چون ممتنع موجود ذاتی است، یا به این دلیل استکه ممکن الموجود ذاتی است وچون علتش در خارج نیست او نیز وجود ندارد وهر دو صورت خلف فرض است

بر این استدلال نیز اشکال وارد شده است:

اشکال: خلط مفهوم با مصدق صورت گرفته است.

پاسخ: بحث محقق اصفهانی در مفهوم واجب الوجود نیست بلکه بحث ایشان در معنای واجب الوجودیت که محکی است وحمل شایع است. برخی از دلیل‌ها وقرائن بر تمام بودن برهان وجودی محقق اصفهانی وجود دارد که در مقاله آقای ابراهیمی راد به آن اشاره نشده است مانند نحوه استنتاج عدم تحقق نقیضین در عالم خارج از طریق اصل استحاله تناقض.

۲. استاد فیاضی

مباحث ایشان تقریر دروس جناب استاد در موسسه امام صادق(ع) می‌باشد که بصورت جزو در کتابخانه آن موسسه نگهداری می‌شود. ایشان در ابتدا تقسیمات مختلف برآهین خداشناسی را ذکر می‌کنند. یکی از آنها تقسیم ادله اثبات واجب بر حسب اختلاف و اتحاد سالک و طریق وغایت است که به چند دسته تقسیم می‌شود.

در ادامه تقریر برهان آنسلم ارائه می‌دهند که بصورت نمادین اینگونه است:

خدا: موجودی است که بزرگتر از او قابل تصور نیست

اول: الف: اگر الف وجود خارجی نداشته باشد پس دیگر الف، الف نیست.

ب: لکن الف، الف است بالضروره

نتیجه: پس الف وجود خارجی دارد.

دوم: الف: اگر الف بتواند موجود نباشد، الف، الف نخواهد بود.

ب: لکن الف، الف است بالضروره

نتیجه: پس الف نمی‌تواند موجود نباشد.

بر این برهان اشکالات متعددی وارد شده است که یکی از آنها این است که با این روش هر رطب و یابسی را می‌توان اثبات کرد، مثلاً اگر شهری که بزرگتر از آن قابل تصور نیست در خارج موجود نباشد دیگر آن شهری که بزرگتر از او قابل تصور نیست نخواهد بود. و البته اشکالات دیگری نیز بیان می‌کنند. ایشان در ادامه تقریر خودشان که مشتمل بر ۸ مقدمه می‌باشد را بیان می‌کنند و در انتهای تقریر ملاصدرا را نیز بیان می‌کنند. وما در این پژوهش علاوه بر تقریرهای مذکور وایرادات آنها، تقریر صحیح محقق اصفهانی را نقل می‌کنیم و به اشکالات وارد شده بر آن پاسخ می‌گوییم.

پس از چندین سال که از القا این سلسله دروس می‌گذرد مباحث جدیدی درباره برهان محقق اصفهانی مطرح گشته است که جای آن در این جزو خالی است.

یکی از این مباحث که در جزو جناب استاد به چشم نمی‌خورد این مسئله است که آیا هرگونه اسناد حکم مفهوم به خارج، خلط مفهوم و مصدق خواهد بود؟ در این صورت چگونه میتوان در اصل عدم تناقض از راه مفهوم حکمی را به خارج نسبت داد.

۳. آیت الله جوادی آملی

که ابتدا کلام محقق اصفهانی را تبیین میکنند و سپس به نقد آن میپردازنند. ایشان ابتدا به مقتضای اصالت وجود و نیز این مطلب که ذات واجب دلیل بر وجود ذاتش است، اشاره میکنند و در ادامه میافزاید که مصدق عینی واحد، مفاهیم متعدد از آن انتزاع میشود مانند وجوب و وجود که از موجود عینی واحد، انتزاع میشود.

به نظر ایشان صورت قیاس، قیاس استثنایی است و در آن با بطلان تالی، بطلان مقدم را نتیجه میگیریم و در نتیجه نقیضش که موجود بودن واجب در خارج باشد را نتیجه میگیریم.

آیت الله جوادی آملی از قول استادشان علامه طباطبائی، نقدی بر کلام محقق اصفهانی وارد میکنند. و در ادامه خودشان نیز یک اشکال نقضی بر استدلال محقق اصفهانی اقامه میکنند به این مضمون میباشد که اگر استدلال تمام باشد لازم می‌آید که شریک الباری موجود باشد چون اگر معلوم باشد یا بخاطر امتناعش است و این خلاف مقتضای طبعش است چون شریک در طبعش نیز هست و طبع واجب مقتضی وجوب وجود است.

و یا بخاطر این است که محتاج به سبب است و این سبب مفقود است و این نیز منافی با فرض است چون فرض ما این است که آن فرد واجب است پس واجب است نه ممکن.

ایشان میان برهان وجودی محقق اصفهانی و استغاله‌ی تناقض در عالم خارج فرق روشنی بیان نفرمودند.

۴. اهداف تحقیق :

در مباحث خداشناسی، بحث براهین اثبات خدا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از روش‌های مفید و در عین حال ساده، اثبات واجب از راه مفهوم میباشد.

در این روشها بدون رجوع به واقعیتهاي عيني در عالم خارج، وجود خداوند اثبات میگردد. از آنجا که تقریرات و بيانهای مختلفی از سوی متفکران مسلمان و غرب، از این برهان اقامه شده و اکثر آنها دچار مغالطه میباشد. این پژوهش بر آن است که با تقریری صحیح و تفصیلی و با گریز از مغالطه، وجود واجب تعالی را ثابت کند.

۵. سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق

۱-۱. سؤال اصلی

(۱) تقریر محقق اصفهانی (ره) از برهان مفهومی، چه ویژگیهایی دارد و چگونه ارزیابی میشود؟

۲-۵. سؤالات فرعی

- ۱) راه های اثبات وجود خدا چند دسته می باشد و چگونه میتواند دسته بندی شود ؟
- ۲) معیار مفهومی نامیدن یک برهان چیست؟
- ۳) دیدگاه محقق اصفهانی راجع به برهان وجودی چگونه تقریر میشود؟
- ۴) دیدگاه مخالف محقق اصفهانی نسبت به ایشان چیست؟

۶. فرضیههای تحقیق

- ۱) به صورت فی الجمله می توان از راه مفهوم حکم وجود واقعی را بیان کرد.
- ۲) تقریر محقق اصفهانی از راه برهان مفهومی عاری از خلط مفهوم و مصدق است.

۷. پیش فرض ها

- ۱) قیاس استثنایی، منتج است
- ۲) وجود خدا، قابل اثبات از طریق برهان میباشد .

۸. روش انجام تحقیق

روش تحقیق، عقلی تحقیقی است.

۹. سازماندهی تحقیق

- فصل اول، در این فصل کلیات تحقیق شامل طرح تفصیلی و مفاهیم بررسی شده است.
- فصل دوم، چیستی برهان مفهومی و وجودی و جهان شناختی و تقریر محقق اصفهانی، مورد بررسی قرار گرفته است.
- فصل سوم، بررسی انتقادی اشکالات برهان محقق اصفهانی بیان شده است.
- در نهایت خلاصه و نتیجه گیری و همچنین فهرست منابع این تحقیق مورد تقریر قرار گرفته است.

(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

گفتار دوم: مفاهیم

۱. برهان

برهان در لغت به معنای حجت واضح قطعی است^۱ و در اصطلاح مهارتی (صناعتی) در استدلال است که از طریق ترکیب مقدمات یقینی به نتیجه‌ای یقینی می‌انجامد.^۲

اساس بحث برهان در کتاب‌های منطقی از ارسسطو، ارگانون، شش بخش دارد و آنالوطیقای (تحلیل) دوم، بخش چهارم آن محسوب می‌شود. آنالوطیقای دوم نیز دو بخش دارد و در آنها درباره استدلال برهانی، یعنی قیاسی که مقدمات آن قضایای یقینی است، بحث می‌شود. ارسسطو در آنالوطیقای دوم نخست درباره ماهیت علم و شرایط و مقدمات آن و چگونگی ضرورت محمول برای موضوع سخن می‌گوید و خصوصیات «حد» و «تعريف» را که به گفته او به استدلال برهانی بستگی دارد، بررسی می‌کند. سپس از مبادی علوم برهانی یاد می‌کند و اصول موضوعه و متعارفه را روشن می‌سازد و ضمن بر شمردن خطاهای قیاس، تفاوت دانش و پندار را توضیح می‌دهد^۳.

برهان به صورتی جامع در «كتاب البرهان» شفای ابن سينا مطرح شده است. او از شروح اسکندر افروذیسی و یحیی نحوي و شروح و تعلیقات فارابی بهره جسته است.^۴ پس از ابن سينا نیز همواره برهان، مورد توجه منتقدانان بوده و در آثارشان به بسط و تنقیح آن پرداخته‌اند.

برهان در اصطلاح منتقدانان قیاسی است مرکب از مقدمات یقینی که ذاتا و به ضرورت، نتیجه‌ای یقینی به دست می‌دهد.^۵

برای به دست آوردن درک روشن‌تری از برهان در منطق، لازم است درباره بعضی از واژه‌های کلیدی این تعریف توضیح مختصراً بیان شود.

در این تعریف با واژه قیاس، اقسام دیگر استدلال، یعنی استقرا و تمثیل بیرون می‌روند؛ زیرا برای به دست آوردن نتیجه یقینی، باید هم صورت استدلال یقینی باشد و هم ماده آن و صورت هر استدلالی از سه قسم پیشگفته خارج نیست و

(غير دولتی - غير انتفاعی)

^۱. فیروزآبادی، محمد، القاموس المحيط، بیروت، دار احیاء التراث العربي، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق، تبصره، ۱۱۳.

^۲. ر.ک: احمد فرامرز قراملکی، منطق ۲، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵، چاپ دوم، ص ۱۴۸.

^۳. ر.ک: ارسسطو، النص الكامل، المنطق ارسسطو، بیروت، دارالفکر اللبناني، ۱۹۹۹م.

^۴. ر.ک: ابن سينا، الشفاء (البرهان)، تصحیح ابراهیم مذکور، قم، منشورات مکتبة آیة الله العظمی المرعشعی النجفی، ۱۴۰۴ج، ۵، مقدمه ابوالعلا عفیفی، ص ۳.

^۵. ر.ک: طوسي، خواجه نصیر الدین محمد بن محمد، أساس الاقتباس، به تصحیحی سید عبدالله انوار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۷۴.

از بین آنها تنها، قیاس یقین‌آور است و استقرا و تمثیل، هر دو گمان‌آور هستند و اگر هم در مواردی، این دو یقین‌آور باشند، با تحلیل دقیق معلوم می‌شود که بازگشت آنها به قیاسی پنهانی است؛^۶

با تعبیر «مقالات یقینی»، قیاس‌هایی که از مقدماتی غیریقینی مانند مظنونات، مشهورات، مخيلات و... تشکیل شده‌اند، بیرون می‌شوند. اکنون روشن می‌شود که هرگاه استدلالی با این ویژگی‌ها داشته باشیم، محال است که نتیجه‌ای یقینی از آن به دست نیاید و این نکته را تعبیر «به ضرورت» به ما می‌فهماند.^۷ همچنین با قید ذاتاً، استدلال‌هایی مانند قیاس مساوات که مقدمات به تنها‌یی نتیجه‌بخش نیستند؛ بلکه باید قضیه دیگری از بیرون به آن افزوده شود، از تعریف خارج می‌شوند.^۸

۱-۱. یقین

یقین در لغت به معنای جزم است و حالتی روان‌شناختی است که در برابر ظن، شک و وهم قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که یقینی که در تعریف برهان از آن یاد می‌شود نوع خاصی از جزم است و نه هر جزمی؛ بلکه مقصود از آن باور (تصدیق) یک قضیه همراه با کاذب‌دانستن نقیض آن قضیه است؛ به عبارت دیگر جزمی که مشتمل بر دو باور است. اما چنین باوری ممکن است مطابق با واقع باشد یا نباشد و دارنده آن در جهل مرکب باشد؛ از سوی دیگر، جزم به یک قضیه، ممکن است پایدار باشد و آن زمانی است که از راه تحقیق به دست آمده باشد و ممکن است ناپایدار باشد و آن زمانی است که از راه تقلید به دست آمده باشد.

مراد از یقین در باب برهان، از بین همه اقسام جزم، باور جازم مطابق با واقع پایدار است.^۹

مقالات یقینی یا نظری هستند یا بدیهی. مقدمات یقینی بدیهی، مبادی برهان نامیده می‌شوند که شش قسم آن عبارتند از: اولیات، فطريات، محسوسات، حدسيات، مجربات، متواترات.^{۱۰}.

۱-۲. اقسام برهان

چیزی که در قیاس‌ها از اهمیت ویژه برخوردار است «حد وسط» است. زیرا حد وسط چنان‌که از نامش پیداست، میان اصغر و اکبر پیوند برقرار می‌کند و از حذف آن نتیجه مورد نظر به دست می‌آید. با توجه به جایگاه مقدمات در قیاس برهانی و با توجه به جایگاه حد وسط در مقدمات، در قیاس برهانی مهم‌ترین نقش به عهده حد وسط نهاده می‌شود. در حقیقت حد وسط علت برای تحقق و یقین به نتیجه است. بر اساس این‌که علیت حد وسط برای نتیجه از چه وضعیتی برخوردار است، برهان را به دو قسم انى و لمى تقسیم کرده‌اند که به اختصار بیان می‌شود.

(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

^۶. ر.ک: مظفر، محمدرضا، المنطق، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ ه.ق، چاپ سوم، ص ۲۶۴.

^۷. وجه شیوه بین اصل و فرع ر.ک: همان، ص ۲۶۸.

^۸. ر.ک: عسکری سلیمانی امیری، منطق پیشرفت، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۹، چاپ اول، ص ۵۵.

^۹. ر.ک: همان، ص ۵۸-۵۹.

^{۱۰}. ر.ک: فرامرز قرامکی، احد، پیشین، ص ۱۴۹.

۱-۲-۱. برهان لمی

اگر حد وسط هم علت برای ثبوت اکبر برای اصغر باشد و هم واسطه در اثبات، آن را «برهان لمی» می‌نامند. واسطه در ثبوت، یعنی این‌که حد وسط علت وجود اکبر برای اصغر است، با آمدن آن اکبر برای اصغر تحقق پیدا می‌کند. واسطه در اثبات باشد، یعنی موجب شود که ما تصدیق کنیم که اکبر برای اصغر اثبات شده است. وساطت در ثبوت صبغه هستی‌شناختی دارد و وساطت در اثبات صبغه معرفت‌شناختی. به طور کلی هرگاه حد وسط در چنین نقشی ظاهر شود که هم وجود اکبر برای اصغر را اثبات کند و هم موجب تصدیق گردد در این صورت برهان لم / برهان لمی نامیده می‌شود. از باب نمونه وقتی گفته می‌شود:

۱. این آهن حرارت‌ش بالا رفته است.

۲. هر آهنی که حرارت‌ش بالا رود حجم آن افزوده شده است.

۳. این آهن حجمش افزوده شده است.

استدلال به وسیله بالا رفتن درجه حرارت بر افزایش حجم، استدلال به علت برای اثبات معلوم است. چون

حرارت چنان‌که موجب حکم به افزایش حجم آهن می‌شود، در خارج نیز حجم آهن را افزایش می‌دهد.^{۱۱}

۱-۲-۲. برهان انی

اگر حد وسط تنها واسطه در اثبات بود و در مقام ثبوت وساطتی نداشت، آنرا «برهان / برهان انی» می‌نامند. برهان انی خود دو گونه است؛ گاه حد وسط در اصغر خود معلوم حد اکبر می‌باشد. گاه به گونه‌ای است که حد وسط و اکبر هر دو معلوم علت سوم است. قسم نخست را «دلیل» نیز می‌نامند. برای نمونه اگر گفته شود:

۱. این آهن حجمش افزایش یافته است.

۲. هر آهنی که حجمش افزایش یافته باشد، درجه حرارت‌ش بالا رفته است.

۳. این آهن درجه حرارت‌ش بالا رفته است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این قیاس از افزایش حجم آهن که معلوم است بر بالارفتن درجه حرارت که علت می‌باشد استدلال شده است. لذا از علم به معلوم علم به علت حاصل شده است. در این صورت حد وسط تنها واسطه در اثبات است، یعنی برای تصدیق به این‌که درجه حرارت بالا رفته است، از افزایش حجم کمک گرفته شده است، در حالی‌که در مقام ثبوت و به لحاظ هستی‌شناختی، حرارت علت افزایش حجم است.

اما در مواردی‌که حد وسط و اکبر هر دو معلوم علت ثالث باشند، در این صورت از علم به وجود یکی وجود دیگری دانسته می‌شود. هرگاه یکی از معلوم‌ها برای انسان معلوم شود، این واسطه می‌شود برای این‌که معلوم دیگر نیز معلوم گردد. زیرا دو معلوم ملازم یکدیگراند، از علم به یکی از آن‌ها، علم به دیگری حاصل می‌شود، زیرا از علم به

^{۱۱}. جمال الدین حسن بن یوسف علامه حلی، الجوهر النضید، فی شرح منطق التجرید، چاپ سنگی، ص ۱۷۱-۱۷۳. محمد رضا مظفر، المنطق، (نجف اشرف، مطبوعه النعمان، ط ۳). ص ۳۵۳

معلول الف، علم به علت پیدا می‌کنیم، و از علم به علت، معلول ب را تصدیق خواهیم کرد. به همین دلیل این برهان هم ویژگی برهان لمی را دارد و هم خاصیت برهان انى نوع اول، یعنی دلیل را. زیرا وقتی از معلول «الف» به علت علم پیدا می‌کنیم، در حقیقت برهان انى نوع اول، یعنی دلیل تحقق پیدا می‌کند، وقتی بار دوم از وجود علت به وجود معلول «ب» علم پیدا می‌کنیم، تعریف برهان لمی بر آن تطبیق می‌کند.^{۱۲}

یک قسم از برهان انى که مفید یقین می باشد استدلال از طریق ملازمات عامه است که از یک ملازم، وجود ملازم دیگر اثبات می شود و در فلسفه نیز تنها همین قم از برهان انى به کار می‌رود.^{۱۳}

هم چنان که در فصل سوم نیز به آن اشاره خواهد شد، برهان محقق اصفهانی نیز از این قسم برهان انى می باشد و از طریق ملازمات عامه به مطلوب نائل می شود.

۱-۳. شرایط مقدمات برهان

۱. همه مقدمات، یقینی باشند و چنان که گفته شد، اساسا برهان بودن برهان، بسته به این شرط است؛ پس اگر حتی یک مقدمه آن؛ غیریقینی باشد، آن قیاس دیگر برهانی نخواهد بود؛ بلکه با توجه به آن مقدمه غیریقینی، یا جدلی خواهد بود یا خطابی یا شعری یا مغالطی و همیشه در این که قیاس مصدق کدام یک باشد، تابع پستترین (اخس) مقدمات است؛ بنابراین اگر قیاسی داشته باشیم که یک مقدمه آن یقینی و دیگری مشهور است، قیاس جدلی خواهد بود؛ چون مشهورات، پستتر از یقینیات هستند و آنها ماده قیاس‌های جدلی هستند.
۲. مقدمات تقدم طبی بر نتایج داشته باشند؛ زیرا مقدمات به لحاظ خارج، علت‌ها نتایج هستند. (این شرط ویژه برهان لمی است).

۳. مقدمات، پیش عقل، به حسب زمانی، بر نتایج تقدم داشته باشند تا بتوان از آنها برای رسیدن به آن نتایج استفاده کرد. باید توجه داشت که تقدم در عالم واقع (نفس‌الامر) که همان تقدم طبی است که در شرط پیشین گفته شد، با تقدم نسبت به ما و به حسب عقل ما، متفاوت است؛ چرا که گاهی چیزی مانند علت که تقدم طبی دارد، نسبت به عقل ما تقدم ندارد، به این صورت که ما به معلول، پیش از علت، آگاهی پیدا کرده‌ایم. پس ضرورتا هر چیزی که طبعاً مقدم باشد، از نظر شناخت عقلی دارای تقدم نیست.^{۱۴}

۴. مقدمات برای ما شناخته شده‌تر (اعرف) از نتایج باشند تا بتوانند موجب شناخت نتایج شوند؛ زیرا شناسنده (معرف) باید شناخته شده‌تر از چیزی باشد که قرار است به ما بشناساند (معرف). با این شرط قیاس‌هایی که در آن حد

(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

^{۱۳}. محمد رضا مظفر، المنطق، (نجف اشرف، مطبعه النعمان، ط۳)، ص۳۵۳؛ محمد خوانساری، منطق صوری، (تهران، آگاه، ۱۳۷۳، چاپ ۷)، ص۲۱۵-۲۱۶.

.۲۱۸

^{۱۴} نهایه الحکمه، ص۱۶

^{۱۵}. ر.ک: محمدرضا مظفر، پیشین، ص۳۲۴

وسط و حد اکبر متضایف باشند از دایرۀ مصادیق برهان، خارج می‌شوند. زیرا دو متضایف از نظر معرفت هم رتبه‌اند و از علم به یکی، نمی‌توان به دیگری آگاه شد.^{۱۵}

۵. مقدمات، مناسب نتایج باشند. به این معنی که محمول‌های آنها برای موضوع‌هایشان ذاتی و اولی باشند؛ در غیر این صورت، محمول‌ها برای موضوع‌هایشان غریب خواهند بود و در چنین حالتی مقدمات برهان، دیگر علت نتیجه خواهند بود.^{۱۶}

محمول ذاتی^{۱۷} محمولی است که یک از دو حالت زیر را داشته باشد ۱. آن محمول در تعریف موضوع ذکر شود؛ مانند محمول ناطق برای انسان؛ چون در تعریف انسان، از مفهوم ناطق استفاده می‌شود. ۲. موضوع یا یکی از مقومات موضوع در تعریف محمول بیان گردد؛ محمول زوج برای عدد؛ چون در تعریف زوج از مفهوم عدد استفاده می‌شود.^{۱۸} اولی به محمولی گفته می‌شود که حمل آن بر موضوعی یا نیازمند استدلال نیست یا اگر هم نیازمند استدلال است، حد وسط در آن استدلال با موضوع نتیجه نسبت تساوی دارد؛ لذا اگر حد وسط، اعم یا اخص از موضوع نتیجه باشد، آن محمول. بنابراین حمل ناطق بر انسان اولی است، حمل خندان بر انسان اولی است؛ واسطه اثبات خندان برای انسان تعجب‌کننده است. که بین آن و انسان، نسبت تساوی برقرار است؛ اما حمل حساس (دارای حواس پنجگانه) بر انسان اولی نیست زیرا واسطه اثبات آن، حیوان است که اعم از انسان است. همچنین حمل خندان بر حساس اولی نیست؛ زیرا واسطه اثبات آن، انسان است که اخص از حساس است.^{۱۹}

۶. مقدمات ضروری باشند؛ ضرورت ذاتی یا وصفی. باید توجه داشت که مقصود از ضروری در اینجا همان معنای ضروری در بحث قیاس نیست؛ در بحث قیاس گفته می‌شد هرج ب است بالضروره به این معنا بود که هر چیزی که متصف به ج باشد، حال این اتصاف به هر شکلی که باشد، متصف است به ب بالضروره؛ هر چند که اتصاف آن شی به ج بالضروره نباشد؛ اما در اینجا، مراد مشروطه عامه است؛ یعنی هر چیزی که که متصف به ج باشد بالضروره، ب است بالضروره.^{۲۰}

۷. مقدمات، کلی باشند. درباره این که مقصود از کلیت در اینجا چیست دو تفسیر وجود دارد:

دالسکاہ باورالعلوم (ع)

۱۵. عسکری سلیمانی امیری، وجیه مقدمات برهان، آیین حکمت، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۱، ص ۱۵۲-۱۲۷

۱۶. برای توضیح بیشتر ر.ک: مظفر، محمد رضا، پیشین، ۳۲۶

۱۷. البته ذاتی در منطق معانی دیگری نیز دارد و در اینجا مراد ذاتی باب برهان است. (ر.ک: مظفر، محمد رضا، پیشین، ص ۳۲۶)

۱۸. محمدباقر ملکیان، «ذاتی» در منطق و فلسفه، معرف عقلی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۱-۹۴.

۱۹. عسکری سلیمانی امیری، توجیه مقدمات برهان، پیشین

۲۰. ر.ک: محمد رضا مظفر، پیشین، ص ۳۲۵

۱. مقصود از کلی آن است که محمول بر هر فردی از موضوع در تمام زمان‌ها بدون واسطه اعم یا اخص (که توضیح آن در بحث اولی بودن محمول بیان شد) حمل شود. طبق این تعریف، مقدمات برهان، باید دارای سور کلی باشند؛ لذا مقدمات دارای سور جزئی برهانی نخواهند بود.^{۲۱}

۲. مقصود از کلی آن است که محمول بر تمام افراد موضوع در تمام زمان‌ها بدون واسطه اعم یا اخص حمل شود؛ خواه مقدمه، قضیه‌ای کلیه باشد یا جزئیه یا مهمله طبق این تفسیر تنها قضایای شخصیه نمی‌توانند برهانی باشند.^{۲۲} گفتنی است که دو شرط شش و هفت، مختص نتایج ضروری کلیه است؛ و لذا اگر ما روا دانستیم که نتیجه برهان غیرضروری و غیرکلیه باشد، در آن صورت هیچ اشکالی نخواهد داشت که یکی از مقدمات برهان، ممکنه یا غیرکلیه باشد.^{۲۳}.

۱-۴. کلیاتی راجع به راه‌های اثبات خدا

یکی از دغدغه‌های اساسی انسان و همچنین یکی از موضوعات اساسی و محوری ادیان مسأله وجود خداست. درباره اثبات پذیری و اثبات ناپذیری وجود خدا نظریات گوناگونی وجود دارد که در حد امکان به آنها اشاره می‌کنیم.

- برخی از فیلسوفان و متكلمان و بخصوص عرفان وجود خدا را بدیهی و بی نیاز از دلیل و به تعبیری فطری می‌دانند. آنها معتقدند همه‌ی هستی جلوه‌ی حق است پس خدا هرگز غایب نیست تا در پی اثبات و کشف او باشیم. ماییم که در حجاییم و او را شهود نمی‌کنیم والا او نه تنها نورانی و موجود است، که اصل وجود و حقیقت نور است. پس غیبت و عدم برای او محال ذاتی است.

از دیدگاه آنها همه‌ی هستی اسماء و صفات حق اند و هر موجودی وجهی از وجود خداوند است.

پس هر موجودی می‌تواند به اندازه‌ی توان و سعی و وجودی خود، حق نما باشد و راه نشان دهد. پس راه‌های رسیدن به خداوند در چند طرق محدود نخواهد بود هم از این روست که گفته اند: «الطرق الى الله بعدد انفاس الخلائق». امام خمینی (ره) پس از سپاس قادر میان بخاراط این که توانسته است میان اصحاب کشف و معرفت ذوقی و سخنان هماهنگی ایجاد کند می‌گوید: «به هوش باش که سخنان ایشان در حقیقت اختلافی باهم ندارند هرچند که گویندگان آن سخنان هر کدام راهی را پیموده است غیر آن راهی که دیگری رفته است. ایشان دلیل خود را بر این مدعای همین سخن میداند که به شماره‌ی خلائق که نفس می‌کشند راه به سوی خدا داشت.^{۲۴}

(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

^{۲۱}. خواجه نصیر الدین محمد بن محمد، طوسی، شرح الإشارات و التنبیهات، پیشین، ص ۲۹۷.

^{۲۲}. ر.ک: محمدرضا مظفر، پیشین، ۳۲۵.

^{۲۳}. ر.ک: همان، ص ۳۲۵.

^{۲۴}. امام خمینی، مصباح الهدایه الى الخلافه و الولايه، ترجمه سید احمد فهری، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۰، ص ۹۹.

این گروه برای تأیید ادعای خود به قرآن و روایات مراجعه میکنند و میگویند قرآن در این باره در سوره‌ی ابراهیم آیه‌ی ۱۰ میفرماید :

«قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌ فاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤْخِرَكُمْ إِلَى أَجْلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصْدُونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ»

پیامبر انسان گفتند: آیا در خدا- آن آفریننده آسمانها و زمین- شکی هست؟ شما را فرامی‌خواند تا گناهاتتان را بیامزد و تا مدقی معین شما را زنده گذارد. گفتند: شما جز مردمانی همانند ما نیستید. می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرسیدند باز دارید. برای ما دلیلی روشن بیاورید.

و هم چنین در سوره روم آیه‌ی ۳۰ آمده:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَيْفَا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

به یکتاپرستی روی به دین آور. فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

امام حسین (ع) در دعای عرفه میفرماید: چگونه از چیزی که در وجودش به تو نیازمند است به تو استدلال شود؟ آیا برای غیر از تو ظهوری وجود دارد که برای تو نباشد تا آشکار کننده‌ی تو باشد. تو کی غایب بودهای تا دلیل و راهنمای نیاز داشته باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بودهای تا آثار و نشانه‌ها ما را به تو برسانند.^{۲۵} پس بطور کلی در یک تقسیم بندی اولیه براهین ناظر به ذات الله، به دو دسته کلی تقسیم میشوند :

- براهینی که نشان میدهد خدا بی نیاز از استدلال و دلیل است.
- براهینی که به اثبات ذات خدا میپردازد.

شق دوم به چند دسته تقسیم میشود:

- بعضی از براهین با استفاده از مفهوم خدا و بدون تمسک به غیر، به اثبات خدا میپردازد که این براهین مفهوم محور یا وجودی معروف هستند.

- دسته‌ی دیگر، براهینی هستند که با استفاده از مساوی الله یا به اصطلاح دیگر مخلوقین به اثبات خدا میپردازد که با از بین رفتن واسطه وجود خدا نیز انکار میشود و وجودش زیر سوال میرود. این براهین به براهین مخلوق معروف هستند.

- و دسته‌ی دیگر براهینی هستند که این براهین به برهان صدیقین معروف اند. پس براهینی که تلاش در اثبات وجود خدا دارند به سه دسته کلی تقسیم میشود :

۲۵ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان ، دعای عرفه

- ۱- براهین مفهوم محور یا وجودی
- ۲- برهان صدیقین یا موجود محور
- ۳- براهین مخلوق محور

به بیان دیگر قالب براهین یاد شده‌ی بالا به این شکل می‌باشد:

-قالب برهان مفهوم محور : اگر X (خدا) در ذهن موجود باشد ضرورتا خدا در خارج هم موجود است.
X در ذهن موجود است.

پس X در خارج هم موجود است.

-قالب برهان مخلوق محور: اگر X (مخلوق) موجود باشد خدا موجود است.
X موجود است.

پس خدا موجود است.

- قالب برهان صدیقین : اگر X (موجودی) وجود داشته باشد خدا است.
X هست

پس خدا نیز هست.^{۲۶}

در این قسمت از تحقیق سعی می‌کنیم به توضیح هریک از سه دسته پردازیم.

۱-۴. براهین مفهوم محور یا وجودی

این دسته از براهین که به برهان وجودی معروف هستند، با تکیه بر مفهوم، وجود خدا را در خارج ثابت می‌کنند. خدا را میتوان با اوصاف گوناگونی تعریف کرد. اوصافی از قبیل واجب بالذات، موجود نامتناهی، کامل مطلق، بزرگترین موجود و... که فلاسفه اسلامی و غربی با بکارگیری هریک از این اوصاف، براهین مختلف وجودی اقامه کرده اند و در پی اثبات خدا تلاش نموده اند.

در میان فیلسوفان غربی، آنسلم (۱۰۳۲-۱۱۰۶م) اولین فیلسوف غربی است که اقدام به اقامه این نوع برهان کرده است و با استفاده از وصف "کاملترین شیء" در اثبات خدا قدم برداشته است.

این نوع برهان در میان فلاسفه غربی مورد توجه قرار گرفته است و فیلسوفان مختلفی از قبیل کانت به اقامه این برهان اقدام کرده اند اما در میان فلاسفه اسلامی این نوع برهان چندان مورد توجه قرار نگرفته است و حکمای معدودی از قبیل محقق اصفهانی به اقامه این نوع برهان پرداخته اند..
- معیار دقیق برهان وجودی

^{۲۶}. رک: عبدالرسول عبودیت، درآمدی نظام حکمت صدرایی، ج ۲، تهران، موسسه آموزشی امام خمینی وسمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۵۷ تا

برهانی را برهان وجودی میگویند که با استفاده از مفهوم وجود شی را اثبات کند. پس معیار دقیق این نوع برهان این است که با استفاده از صرف مفهوم خدا به اثبات وجود خدا بپردازد و از هیچ واقعیت دیگری مدد نگیرد.

- بخش های اصلی برهان وجودی

برهان وجودی دارای سه بخش اصلی است. قالب بخش اول به شکل زیر است:

۱- گزاره استلزمام: اگر X ای در ذهن موجود باشد ضرورتا در خارج هم هست.

۲- گزاره فصل: اما X در ذهن موجود است.

نتیجه: X در خارج موجود است.

که در اینجا X متغیری است که با اوصاف خدا مانند «واجب بالذات»، «کامل مطلق» یا غیر اینها جایگزین میشود. گزاره‌ی فصل وجودانی است و بی نیاز از اثبات چون مثبتین و منکرین این برهان، تصویری از خدا در ذهن دارند که یا آن را قبول دارند یا رد میکنند و آنچه مهم است اثبات گزاره استلزمام است.

قالب بخش دوم برهان بدین صورت میباشد:

۱- اگر X در ذهن موجود باشد و در خارج موجود نباشد، آنگاه X نخواهد بود. اما بدیهی است که :

۲- اینکه X ، X نباشد تناقض است و محال، پس

۳- محال است X در ذهن موجود باشد اما در خارج موجود نباشد.

بنابراین

نتیجه: اگر X در ذهن موجود باشد ضرورتا در خارج هم موجود است.

در اینجا همهی گزاره‌ها بدیهی اند و فقط گزاره ۳، نیاز به اثبات دارد. اثبات این گزاره با گونه‌های مختلفی انج شده است که تکثر ایجاد شده در برهان‌های وجودی به صورت تقریرها و قالب‌های مختلف به همین علت میباشد.^{۲۷}

۱-۴-۲. براهین موجود محور یا صدیقین

در براهین مخلوق محور اگر مخلوق انکار شود، وجود برهان مخلوق محور فرض ندارد. فلاسفه این نقیصه را با برهان موجود محور (صدیقین) جبران کرده اند.

این نوع برهان، برهانی است که با تمرکز بر ماضی وجود یا وجود بما هو وجود، به اثبات خدا اقدام میشود.

قالب این برهان به شکل زیر است:

۱- اگر موجودی باشد X (خدا) وجود دارد. اما بدیهی است که

۲- موجودی هست پس

نتیجه: X (خدا) وجود دارد

^{۲۷}. همان، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.

گزاره‌ی ۲ بدیهی است. برای اثبات گزاره‌ی ۱ راه‌های مختلف وجود دارد که حکمای مختلفی مانند ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی راه‌های مختلفی را طی کرده اند و به اثبات وجود خدا پرداخته اند که بحث در مورد این براهین، در حوصله‌ی این تحقیق نمی‌باشد.

محکم‌ترین برهان‌ها و ارزشمندترین آنها به سوی او، آن است که حد وسط در برهان، در حقیقت غیر او نباشد و در نتیجه راه به سوی مقصود، خود همان مقصود باشد و این روش صدیقان است، کسانی که به او استشهاد می‌کنند نه بر او.^{۲۸}

برهان صدیقین از برهان‌های اثبات وجود خدا و جزو برهان‌های وجودی است که با بهره‌گیری از مفهوم اصالت وجود، وجود خدا را اثبات می‌کند و به گفته علامه طباطبایی معتبرترین و قوی‌ترین برهان برای رسیدن به خداست.^{۲۹} در فلسفه اسلامی، این تقریرها مشهور هستند به این که تنها براهین از میان برهان‌های اثبات وجود خدایند که وجود خدا را با خود خدا و بدون واسطه اثبات می‌کنند. مفسرین برخی آیات قرآن را اشاره به این برهان می‌دانند: «آیا پروردگار تو که بر هر چیز گواه است خودش بس نیست؟»^{۳۰}

ملاصدرا واضح اصلی مفهوم اصالت وجود است، و به استناد آن درباره برهان صدیقین می‌گوید: «اگر حکمای الهی وجود عالم محسوس را هم مشاهده نکرده بودند، اعتقاد آنان در مورد وجود خدا و صفات و کلیات افعال او غیر از این اعتقادی که اکنون دارند نبود.»^{۳۱}

در این دسته از برهان‌ها از راه اصل هستی و اینکه اصل هستی و حقیقت آن، قابل انکار و تشکیک نیست، وجود خدا اثبات می‌شود.

ابن سینا در توضیح ویژگی این برهان می‌فرماید:

«تأمل كيف لم يتحج بياننا ثبوت الاول... الى تأمل لغير نفس الوجود و لم يتحج الى اعتبار من خلقه و

فعله نشهد به الوجود من حيث هو الوجود»^{۳۲}

ویژگی مهم برهان صدیقین در این است که ترتیب معرفتی آن با سیر واقعی وجود از مبدأ هماهنگی دارد. در اینجا از وجود معلول به وجود علت استدلال نمی‌شود، بلکه ذات باری بهترین دلیل بر وجود خود دانسته می‌شود. وصفی که ملاهادی سبزواری برای مطلق وجود ذکر می‌کند، در این مورد صادق است: مفهوم آن از آشکارترین چیزهاست، اما کنه

۲۸. محمد صدرالدین شیرازی، اسفار، ج. ۶، ص. ۱۳.

۲۹. علامه طباطبایی، المراحله الثانية: الفصل الأول: فی إثبات الوجود الواجبی فی نهاية الحکمة ص ۲۶۸؛ محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه ج ۲ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸. ص ۳۶۷.

۳۰. فصلت: ۵۳.

۳۱. محمد صدرالدین شیرازی، شرح الهدایه الائمه، ص ۲۸۳.

۳۲. ابن سینا، الاشارات والتنبيهات، ج ۳، ص ۳۶.

آن در غایت پوشیدگی است.^{۳۳} صدرالمتألهین تأکید می‌کند که این شیوه معرفت به وجود خدا، به طریقه «اشراقیان» و روشی که آنان در تطبیق حقیقت هستی با نور و مظاهر آن داشته‌اند، نزدیک‌تر است و با آنچه در آیات قرآن و احادیث آمده است، نیز سازگاری بیشتری دارد، از جمله این آیات که «خداوند گواهی می‌دهد که جز او معبدی نیست»^{۳۴} و «آیا خداوند که خود بر هر چیز گواه است، کافی نیست؟»^{۳۵}. «مزیت دیگر این برهان اثبات توحید و دیگر صفات الهی در ضمن اثبات واجب است»^{۳۶}.

تقریر صدرالمتألهین از این برهان به شرح ذیل می‌باشد:

مقدمه ۱. واقعیت، عدم را نمی‌پذیرد؛

مقدمه ۲. آنچه قابلیت عدم ندارد و عدم نمی‌پذیرد، واجب الوجود است؛

نتیجه: اصل هستی، واجب الوجود است.^{۳۷}

با توجه به این که اصل هستی، مسئله‌ای بدیهی است و هر کسی آنرا قبول دارد، وجود واجب الوجود بالذات که همان خدای ادیان است، نیز امری بدیهی است و نیازی به اثبات ندارد و با کوچکترین توجهی می‌توان به آن رسید.^{۳۸} علامه طباطبائی صورت خاصی از این برهان اقامه می‌کند که به نظر وی، نیاز به هیچ مسئله فلسفی ندارد و هر کسی می‌تواند آنرا قبول کند.

تقریر ایشان بدین شرح می‌باشد:

واقعیت هستی که در ثبوت وی هیچ شک نداریم، هرگز نفی نمی‌پذیرد و نابودی بر نمی‌دارد. به عبارت دیگر:

واقعیت هستی بی هیچ قید و شرط واقعیت هستی است و با هیچ قید و شرطی لاواقعیت نمی‌شود و چون جهان گذران و هر جزء از اجزاء جهان نفی را می‌پذیرد، پس عین همان واقعیت نفی ناپذیر نیست. بلکه با آن واقعیت، واقعیت دار و بی آن از هستی بهره‌ای نداشته و منفی است. البته نه به این معنی که واقعیت با اشیاء یکی شود و یا در آن‌ها نفوذ یا حلول کند و یا پاره‌هایی از واقعیت جدا شده و به اشیاء بپیوندد، بلکه مانند نور که اجسام تاریک با وی روشن و بی وی تاریک می‌باشند و در عین حال همین مثال نور در بیان مقصود خالی از قصور نیست.

و به عبارت دیگر: او خودش عین واقعیت است و جهان و اجزاء جهان با او واقعیت دار و بی او هیچ و پوچ می‌باشد.

نتیجه: جهان و اجزاء جهان در استقلال وجودی خود و واقعیت دار بودن خود تکیه به یک واقعیتی دارند که عین

واقعیت و به خودی خود واقعیت است.^{۳۹}

۳۳. ملاهادی سبزواری، ج ۱، شرح منظمه، به کوشش مهدی محقق و ایزوتسو، تهران، ۱۳۶۰، ص ۴۲.

۳۴. آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۸۰..

۳۵. فصلت/سوره ۴۱، آیه ۵۳.

۳۶. محمد صدرالدین شیرازی، الاسفار، تهران، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۲۶-۲۴.

۳۷. محمد صدرالدین شیرازی، الاسفار، ج ۶، ص ۱۵-۱۴، تعلیقه ۱.

۳۸. محمد صدرالدین شیرازی، الاسفار، تهران، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۴-۱۳.

۱-۴-۳. براهین مخلوق محور

این نوع براهین، برخلاف براهین وجودی که مفهوم محورند، بر واقعیت‌های خارجی تکیه دارند. گزاره‌ی مهم در این نوع برهان، هلیه‌ی بسیطهای است که اعتراف به صدق آن به این معنا است که واقعیتی در خارج وجود دارد و بدین وسیله خدا را اثبات می‌کنند.

با این توضیح یا گزاره‌ی فصل این نوع براهین، قسم خاصی از موجود است. مانند «ممکن بالذاتی هست» یا «حادثی هست».

قالب این براهین بدین شکل می‌باشد:

۱-اگر X ای موجود باشد خدا موجود است اما

۲- X ای موجود است پس

نتیجه: خدا موجود است.

که در آن X، وصف متغیری است که بسته به نوع جایگزین برهان را «جهان شناختی» یا «غایت شناختی» یا «برهان درجات کمالی» یا «برهان اجماع عام» یا «برهان اخلاقی» یا «برهان از راه تجارب خاص» یا «برهان‌های عرف پسند» یا «برهان از راه کرامت‌های انسانی» مینامند.^{۴۰}

در این دسته از برهان‌ها، وجود مخلوقات به عنوان مقدمه اول و پیش فرض استدلال قرار می‌گیرد. یعنی مقدمه اول در این استدلال‌ها این است که از وجود مخلوق‌های خداوند که ممکن یا حادث یا دارای حرکت هستند، به وجود خدا می‌رسیم. این دسته که پیشینه بسیار زیادی دارد، از همان ابتدا در سنت کلام اسلامی و فلسفه وجود داشته و طرفداران زیادی دارد.

تمامی این استدلال‌ها، وابسته به این است که قبل از شروع استدلال، اصل علیت اثبات شود و نیز باطل بودن دور و تسلسل در میان موجودهایی که رابطه آنها با یکدیگر به صورت علت و معلول است، اثبات شود. به این منظور، برای فهم بهتر این برهان‌ها، توضیح مختصری از این سه داده می‌شود.

۱. اصل علیت: بر اساس این اصل، هر پدیده‌ای که بوجود می‌آید، نیاز به موجودی دارد که آنرا بوجود بیاورد. در این رابطه، موجود اول را معلول و موجود دوم که باعث بوجود آمدن موجود دیگری می‌شود را علت، و رابطه میان این دو را علیت می‌نامند.^{۴۱}

۲. دور در سلسله علتها: تصویر این حالت به این صورت است که مثلاً بوجود آمدن موجود الف، متوقف است بر بودن موجود ب. حال اگر بوجود آمدن این موجود ب، خودش متوقف باشد بر اینکه اول موجود الف بوجود بیاید و همان

۳۹. علامه طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم (با پاورقی مرتضی مطهری)، جلد پنجم، صفحه ۸۹

۴۰. برای توضیح بیشتر رک: تاریخ فلسفه ملکیان، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۷۰ و اثبات وجود خدا به روش اصل موضوعی، ص ۵۵-۶۶

۴۱. سید شریف علی بن محمد جرجانی، کتاب التعريفات، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۰ هشتم، چاپ چهارم؛ ص ۶۶

باعث بوجود آمدن موجود ببشد، در این صورت، دور اتفاق افتاده است. البته این حالت تنها یک تصویر ذهنی است و در عالم خارج نمی‌تواند محقق شود.^{۴۲}

۳. تسلسل در سلسله علتها: این حالت در صورتی روی می‌دهد که در یک زنجیره موجودهایی که با هم رابطه علت و معلول دارند، هر یک از موجودها را در نظر بگیریم خودش معلول یک علتی باشد که قبل از آن موجود بوده است و این رابطه تا بینهایت نیز به همین صورت است. یعنی هرچه به سمت عقب برویم و هر موجودی را در نظر بگیریم، خودش معلول موجود قبل از خود و علت موجود بعد از خود است. در عالم خارج این حالت نمی‌تواند وجود داشته باشد و بالاخره در میان این موجودها، باید به موجودی بررسیم که خودش دیگر معلول نباشد.^{۴۳}

۲. حد وسط

در هر قیاس یک حد وسط وجود دارد که مبنای اساس قیاس است و مقدمات قیاس را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و نهایتاً در نتیجه حذف می‌شود. (به عبارت دیگر میان اصغر و اکبر ارتباط برقرار کرده و در نتیجه حذف می‌گردد).

منطق دانان چگونگی قرار گرفتن حد وسط در دو مقدمه قیاس اقترانی را اصطلاحاً شکل، سیاق یا نظم نامیده‌اند.^{۴۴}

به هریک از اجزاء منطقی دو مقدمه قیاس، یعنی موضوع و محمول آن دو قضیه، حد می‌گویند. مقصود از شکل یا

هیأت قیاس طرز قرار گرفتن این اجزاء در دو مقدمه است

هر قیاس شامل سه گونه حد است

حد اصغر، حد اکبر، حد وسط یا اوست

حد اصغر جزئی از مقدمه است که در قضیه‌ای که به عنوان نتیجه قیاس حاصل می‌آید، موضوع را تشکیل می‌دهد و آن را رأس صغیر، طرف اخیر یا اصغر، حد کمین نیز نامیده‌اند. مقدمه‌ای را که مشتمل بر این حد است، صغیری می‌خوانند.^{۴۵}

حد اکبر نیز جزئی است که بر محمول نتیجه انطباق دارد و آن را نامهای دیگری چون رأس کبیر، طرف اول یا طرف

اعظم، حد مهین، طرف اکبر نیز هست^{۴۶} مقدمه‌ای که حد اکبر در آن قرار دارد، کبری نامیده می‌شود. در صورت‌بندی

قیاس روش منطق دانان مسلمان این است که ابتدا صغیری، و سپس کبری را بیاورند، اما در آثار ارسطو و منطق دانان قرون وسطی عکس این ترتیب مرسوم بوده است. فارابی در القياس ابتدا به صورت اخیر، و سپس به گونه اول مثال می‌آورداما از

ابن سينا به بعد در بین منطق دانان اسلام همان شیوه نخست رواج یافته است.^{۴۷}

۴۲. محمد صدرالدین شیرازی، الاسفار، تهران، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۱.

۴۳. محمد خالد غفاری، فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ش، چاپ اول؛ ج ۱، ص ۱۱۰.

۴۴. محمود قطب الدین شیرازی، دره التاج، به کوشش محمد مشکوه، تهران، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۱۲۴.

۴۵. ارسطو، منطق، ج ۱، به کوشش عبدالرحمن بدوى، کویت/ بیروت، ۱۹۸۰م، ص ۱۴۹.

۴۶. حسن ملکشاهی، ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا، ج ۱، تهران، ۱۳۶۷ش، ص ۴۶۵.

۴۷. نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، ج ۱، به کوشش مدرس رضوی، تهران، ۱۳۵۵ش، ص ۱۹۷.

جزء مشترک و مکرر در دو مقدمه حد وسط، حد اووسط، سبب، حد میانگین جامع یا قاطع^{۴۸} نامیده می‌شود. این حد واسطه سریان حکم اکبر به اصغر و حصول نتیجه به شمار می‌رود و در مبحث قیاس و در اشکال اربعه دارای اهمیت خاص است، به گونه‌ای که ارسسطو قیاس اقترانی را قیاس مبتنی بر حد وسط می‌نامد.

در هر قیاس اقترانی حملی برای نحوه قرار گرفتن حد وسط در دو مقدمه، تنها ۴ حالت می‌توان تصور نمود:
۱. محمول در صغیر و موضوع در کبری، ۲. محمول در هر دو، ۳. موضوع در هر دو، ۴. موضوع در صغیر و محمول در کبری. منطق دانان بر همین اساس برای قیاس ۴ شکل تصویر نموده‌اند و حالت‌های یاد شده را به ترتیب، اشکال اول، دوم، سوم و چهارم نامیده‌اند. در آثار منطقی، فایده و اعتبار هریک از این اشکال، و نیز موارد نتیجه بخش در هر شکل مورد بحث قرار گرفته است.

به گفته ابن سینا دستیابی به حد وسط اساس اکتساب امور معقول است و تا حد وسط قیاس در ذهن حاصل نشود، نمی‌توان امر معقولی را تعقل کرد. این حد وسط از دو طریق برای ذهن حاصل می‌شود: به وسیله حدس، یا از طریق تعلیم.^{۴۹}

۳. بررسی انتقادی

بررسی انتقادی (که از آن با عنوان سنجشگرانه اندیشه‌ی نیز یاد می‌شود) اندیشیدن سنجشگرانه بر مضمون حرفهایی است که می‌شنویم و می‌خوانیم و بررسی دقیق استدلال‌هایی است که آن حرفها به کمک آنها خود را استوار جلوه می‌دهند. انتقاد به معنای سنجیدن است نه ایراد گرفتن. زیر عنوان انتقاد نباید غرغرکردن و بهانه گرفتن و عیوب‌جویی به دلیل بدخوبی را فهمید. دو گونه اندیشه انتقادی قابل تصور است: یکی خود خواهانه یا سفسطهای که فرد سعی می‌کند بالاستفاده از قدرت تحلیل خود به منافعی شخصی برسد و دیگری درست بینی یا بی طرفی که در آن فرد سعی می‌کند تمام جوانب امر را به صورت یکسان و بدون ارجحیت دادن به دلایل احساسی و منفعت طلبانه ببینند.

ارزش دیگری که در اینجا لازم است از آن یاد کنیم استدلال متین و استوار است. اندیشه انتقادی استدلال سست را نمی‌پذیرد. استدلال باید پایه‌های محکمی داشته باشد یعنی از مقدماتی درست حرکت کند و آنها را به صورتی منطقی با یکدیگر ترکیب کرده و به نتیجه برساند. اندیشه انتقادی تفکر منطقی است. منطق شیوه و اصول سنجیده^{۵۰} تعریف و استدلال است.

اندیشه^{۵۱} انتقادی بر پایه^{۵۲} مفاهیم و قانون‌هاست، نه بر پایه^{۵۳} فراروند پله پله یا شل و محکم. ممکن است طرز اندیشیدن شخصی ناواضح، غیر دقیق، نامربوط، غیرمنطقی و سطحی باشد. راههای مختلفی هست که ممکن است تفکر شخص مشکل دار باشد.

^{۴۸}. ابن سینا، دانشنامه علائی، ج ۱، به کوشش احمد خراسانی، تهران، ۱۳۶۰ق، ص ۲۹.

^{۴۹}. ابن سینا، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، ۱۳۷۹ش، ص ۳۴۰.

به تازگی برخی آزمایش‌هایی که هنوز در مراحل ابتدایی هستند؛ نشان داده که برخی زمان‌ها شخص تصمیمات پیچیده‌ای را پیش از آگاهی از تمام فاکت‌ها و داده‌ها می‌گیرد. از آنجاییکه چنین روشی اندیشیدن انتقادی نیست (چون برای اندیشه انتقادی نیاز به بازنگاری دقیق هست) پس استفاده از مهارت‌های اندیشه انتقادی نیاز به تلاش بیشتر برخلاف طبیعت انسان – که تصمیم‌گیری بدون دانستن همه داده‌های دارد.



دانشگاه پا فرالعلوم (ع)

(غير دولتى - غير انتفاعى)

۴. زندگی نامه محقق غروی اصفهانی

محمدحسین غروی اصفهانی در روز دوم محرم سال ۱۲۹۶ هجری قمری در کاظمین به دنیا آمد. او که فرزند محمدحسن یکی از بازرگانان متدين و ثروتمند بود از این موقعیت در راه تحصیل علم و علوم استفاده نمود. محمدحسن در دهه دوم زندگی به حوزه نجف رفت و مشغول تعلیم در نزد اساتید حوزه آن روز شد. تحصیلات مقدماتی را در محضر شیخ محمد حسن تویسرکانی شروع نمود و تا سن بیست سالگی آنرا کامل کرد.

از دیگر اساتید بر جسته ایشان می توان از بزرگان زیر نام برد: آیت‌الله سید محمد طباطبائی فشارکی و آقا رضا همدانی و آیت‌الله محمد‌کاظم خراسانی و حکیم محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و شیخ احمد شیرازی.^{۵۰}

از شاگردان محمدحسین کمپانی اصفهانی علماء زیر را می توان نام برد: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی و سید هادی میلانی و سید ابوالقاسم خویی و شیخ ابوالفضل خوانساری و علامه سید محمدحسین طباطبائی و شیخ سلمان خاقانی و محمدتقی بهجت فومنی و حاج شیخ علی محمد بروجردی و شیخ محمدرضا مظفر.^{۵۱} مهمترین امتیازی که در آثار ایشان دیده می شود استدلالی و ابتکاری بودن آنهاست که حکایت از ژرف‌نگری و دقت نظر او می‌کند. بخشی از آثار ماندگار او به این شرح می‌باشد:

- ۱ - الاجتہاد و التقلید و العدالہ
- ۲ - الاصول علی النہج الحدیث
- ۳ - الطلب و الارادة عند الامامیة و المعتزلة و الاشاعرة، این سه کتاب در یک مجلد بزرگ با نام «بحوث فی الاصول» چاپ شده است.
- ۴ - چندین رساله در مباحث مختلف اصولی
- ۵ - حاشیه بر رساله قطع شیخ انصاری
- ۶ - نهاية الدرایہ فی شرح الکفایہ، در چهار جلد
- ۷ - کتاب الاجارة
- ۸ - صلاة الجماعة
- ۹ - صلاة المسافر
- ۱۰ - حاشیة کتاب المکاسب

^{۵۰}. الفشارکیه، چاپ جامعه مدرسین قم، ص ۵ - ۱۱، علماء معاصرین، ص ۷۵؛ دائرة العمارف تشیع، ج ۲، ص ۲۱۵

^{۵۱}. گنجینه دانشنمندان، ج ۵، ص ۲۳۶؛ عرفان اسلامی، شیخ حسین انصاریان، ج ۵، ص ۱۶۶.

- ۱۱ - حاشیه بر کتاب الطهاره شیخ اعظم انصاری
- ۱۲ - چندین رساله فقهی
- ۱۳ - الانوار القدسیه (شعاری پر محتوا درباره اهل بیت پیامبر اسلام)
- ۱۴ - سه منظومه درباره اعتکاف، روزه و نماز جماعت
- ۱۵ - دیوان مفتقر (چندین مرتبه با نام دیوان کمپانی چاپ شده ولی ایشان راضی نبودند که به وی کمپانی گفته شود)
- ۱۶ - الوسیله توضیح المسائل به زبان عربی
- ۱۷ - ذخیره العباد توضیح المسائل فارسی
- ۱۸ - تحفه الحکیم
- ۱۹ - حاشیه بر اسفار ملاصدرا
- ۲۰ - مکاتبات فلسفی و عرفانی، مجموعه‌ای است از ۱۴ نامه در شرح و تحلیل دو بیت شعر از عطار نیشابوری
- ۲۱ - تفسیر قرآن این تفسیر که گویا نیمه تمام مانده تاکنون چاپ نشده است.^{۵۲}

محمدحسین غروی اصفهانی در پنجم ذیحجه سال ۱۳۶۱ هجری قمری برابر ۲۳ آذر ۱۳۲۱ شمسی در نجف درگذشت و در حرم امیرالمؤمنین در اتقانی که جنب گلدهسته قرار دارد به خاک سپرده شد. مصطفی خمینی نیز در کنار او دفن شده است

دانشگاه با فرات العلوم (ع) (غیر دولتی - غیر انتفاعی)

^{۵۲}. در مورد آثار علامه غروی مراجعه شود به: حاشیه علامه غروی بر مکاسب، مقدمه، به قلم علامه مظفر؛ بحوث فی الاصول، غروی اصفهانی، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ ق